

در توضیح گزاره نخست نیروی چهارم



احمد زید آبادی

روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

آیا تاریخ انطور که دکتر شریعتی گفته است، صحنه نبرد نیروهای متضاد حق و باطل و داد و بیداد و نور و ظلمت علیه یکدیگر بوده است یا انطور که خود او در جایی دیگر مطرح کرده است: «گاهی ما را به جنگ می‌برند، جنگ علیه کسانی که نمی‌شناختیم و دشمنی کشیدن به روی کسانی که نسبت به آنها هیچ کینه‌ای نمی‌ورزیدیم و حتی کسانی که همراه و هم‌طبقه و هم‌سرنوشت ما بودند. ما را می‌بردند و مادران و پدران پیر و شکسته‌مان چشم انتظارمان می‌ماندند و انتظارشان هرگز پاسخی نمی‌یافت. این جنگ‌ها به قول دانشمندی عبارت بود از «جنگ دو گروهی که با هم می‌جنگیدند بدون اینکه ما به‌شناختند و برای کسانی که با هم نمی‌جنگیدند اما هم را می‌شناختند». و ما را می‌بردند نابود و قتل‌عام می‌کردیم، نابود و قتل‌عام می‌شدیم اگر شکست می‌خوردیم، داغ و دردش را پدران و مادران ما و روستاهای متروک و مزارع خراب ما تحمل می‌کرد و اگر پیروز می‌شدیم افتخار و قدرت نصیب کسانی دیگر می‌شد و ما هرگز در فخر و غنیمتش سهیم نبودیم.» اگر از جنبه رمانتیک و ادبی سخن شریعتی صرف نظر کنیم، در فرازی که از آن نقل شد، حقیقتی نهفته است که نه فقط در عصر باستان و میانه و نه فقط در جریان جنگ‌ها بلکه در دوران معاصر و در جابه‌جایی قدرت نیز مصداق دارد. روشن است که در قرون جدید نوعی نظامات سیاسی در برخی کشورها شکل گرفته است که جابه‌جایی قدرت بین احزاب سیاسی به صورتی آرام و مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و نقش مردم در این جابه‌جایی حضور در پای صندوق رأی و برگزیدن افراد یا احزاب مورد نظر خود بدون تحمل رنجی غلیم یا پرداخت هزینه‌ای سنگین است. در کشورهایی که این سنت نهاده‌ینه نشده و جابه‌جایی قدرت همچنان خشونت‌آمیز و همراه با هزینه بسیار است، متأسفانه مردم عادی نخستین قربانی آن هستند. در این گونه کشورها احزاب یا گروه‌ها با افرادی با دایعه‌ی نجات مردم و آزادی آنها از جور و استبداد و فقر و فشار و محنت ظهور می‌کنند و مردم را به خیزش و فداکاری برای کمک به آنان جهت تسخیر دستگاه دولت فرا می‌خوانند. این احزاب و گروه‌ها و افراد، در ابتدای کار خود لزوماً قصد فریب و نیزنگ ندارند و چه بسا در ادعاهای خود کاملاً هم صادق باشند، اما به محض دستیابی به قدرت از طریق قدسیت بخشیدن به تحول یا حرکتی که منجر به صعود آنان از پلکان قدرت شده و نیز به بهانه حفظ حرمت خون‌های خود یا به نمایندش مردم در این راه به زمین‌ریخته است، ناگهان آن روی دیگر خود را به نمایش می‌گذارند، آنچه آنان را به این ورطه می‌کشاند عمدتاً بروز مشکلات و موانع و سدهای نفوذناپذیر است که آنها را بر برابر اجزای وعده‌های خود می‌بینند؛ وعده‌هایی که در حقیقت زاده توهمات ایده آلبره شده ذهنی و آرزوهای دور و دراز آنهاست و هیچ پای‌ی در واقعیات عینی جامعه و پیچیدگی‌های سامان درست آن ندارد. در این مرحله از کار، صداقت آنها از طریق مکانیسم پیچیده و ناخودآگاه ذهن فریبکار ادبی رنگ می‌بازد و از همین رو به‌جای آنکه به اشتباه خود اعتراف کنند، تمام مشکلات و موانع را به رقیبان و مخالفان خود نسبت می‌دهند و در به کارگیری سخت‌ترین خشونت‌هایی که همیشه مورد نفرتشان در کلام و ایده بوده است، علیه آنان تردیدی به دل راه نمی‌دهند. چنین جنگ علیه همه به راه می‌افتد و هر دسته و گروه و حزب هواداران خود را به میدان می‌کشاند که چه نشتسته‌اید؟ حق و باطل در تمایزیت وجود خود در برابر هم قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، سطح خشونت از حد می‌گذرد و بی‌تابی جامعه را در می‌نوردد تا آنجا که مردمان به ستوه آمده از این وضعیت از خیر اجرای همه آن وعده‌های رنگارنگ می‌گردند و به نیروی قدرتمندتر صحنه بنام می‌پردازند تا از راهی شده حداقل برای شان امنیت و ثباتی ایجاد کند. سطحی از امنیت و ثبات آهین از آرام آرام مستقر می‌شود و امکانی برای اندیشه فراهم می‌گردد که صورت گریه، برای مردمان آسیب‌پذیر فراهم می‌شود. آنها از خود می‌پرسند، خوب این کار چ‌ای بود؟ چه سودی داشت؟ کدام معضل را حل کرد؟ این همه سختی و خشونت برای چه بود؟ آیا بهتر آن نبود که نیروی خود را صرف اصلاح و بهبود همان قبلی می‌کردیم و این‌گونه بی‌گدار به آب نمی‌زدیم؟ بقیه عمر این دسته از مردم به شیطانی و افسوس می‌گذرد. لسل‌ها اما عوض می‌شوند. اصلاح را نامکمل و بی‌ثمر می‌بینند. نویدم و خسته می‌شوند و سودای تحولی زیر و زبر کننده مسلط می‌شود. یعنی باز دیگر نقطه سر خط! این زنجیرهای است که نیروی چهارم شاید قادر باشد آن را قطع کند!

روی خط

رابرت مالی:

سیاست فشار حداکثری به منافع آمریکا آسیب‌زد

نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در گفت‌وگو با شبکه ام.اس.ان.بی. سی، در پاسخ به اینکه آیا این آمریکا نیست که باید اول به پایبندی به توافق هسته‌ای بازگردد چون در ابتدا این آمریکا بوده است که با آن خارج شده، ببینید ما در وضعیتی از سوی دولت قبلی قرار گرفته بودیم که رئیس‌جمهور باید تصمیم گرفت باید به آن پایان دهیم، یعنی کارزار فشار حداکثری ترامپ علیه ایران که به هر طریقی شکست خورد و به منافع آمریکا هم آسیب زد. رابرت مالی اظهار داشت: ما شاهد سرعت یافتن برنامه هسته‌ای ایران و تشدید فعالیت‌های ثابت رادی منطقه‌ای آنها بوده‌ایم که تماشای بعد از کارزار فشار حداکثری ترامپ اتفاق افتادند. این دیپلمات آمریکایی ادامه داد: بنابراین این رئیس‌جمهور بایدن به ما دستور داد برویم و با آنها دیدار کنیم یا طبق آنچه خودشان خواستند غیرمستقیم باشد. ما به وضوح گفتیم که اگر آنها آماده عمل به توافق خودشان باشند ما نیز آماده بازگشت به توافق هستیم. به بیان دیگر، اگر به تعهدات تحت توافق هسته‌ای بازنگردیم، تحریم‌های لغو کنیم. این توافق همیشه روی میز بوده است. دولت نبوده اما ایده‌ها بوده‌اند که آمریکا مطرح کرده است. وی همچنین مدعی شد که آمریکا از ماه مارس پیشنهاد لغو تمام تحریم‌های اعمال شده در دوران ترامپ را که تخطی از توافق هسته‌ای بوده‌اند، در ازای بازگشت ایران به تعهدات هسته‌ایش مطرح کرده است.

دیدگاه

جای خالی خرد متخصمان اجتماعی در مدیریت بحران‌ها

ادامه از صفحه یک، را به عنوان میانجی‌گران تخصصی به کار بگیریم تا بتوانند هم گزارش واقع‌بینانه‌تر و هم راهکارهای مشارکتی برای برون از این شرایط را ارائه دهند و این می‌تواند بسیار کمک کند تا فاصله دولت و ملت کمتر شود. بحث آخر اینجاست که این حقوق به واسطه یک شهروند هم در اسناد بالادستی مثل قانون اساسی و هم در منشور حقوق شهروندی و هم در قوانین دیگر به صراحت آمده. لذا حقوق اجتماعی مردم را نمی‌شود با رویکرد حقوقی پرسی سز و زد و مردم به شکل‌های مختلف به دنبال تحقق حقوق شان خواهند بود. چه بسا برخی از این شکل‌های تحقق حقوق یا مطالعه‌گری اجتماعی مردم ممکن است از راهمایی باشد که ما در قالب اعتراضات اجتماعی از آنها یاد می‌کنیم، ضمن اینکه با اطمینان می‌گویم که اگر ما متخصصان اجتماعی را در این حوزه‌ها ورود دهیم، می‌توانند دیدبان اجتماعی خوبی برای ایجاد صلح و آرامش و همبستگی در جامعه باشند و به عبارت بهتر می‌توانند این همبستگی، صلح و آرامش را ایجاد کنند. به‌نظر می‌رسد این موضوع، موضوعی جهانی هم است به‌گونه‌ای که شعار جهانی ما تقریباً در حوزه فدراسیون جهانی مدتهاست که کار اجتماعی همین موضوع همبستگی اجتماعی بود که صلح یکی از آثار این همبستگی خواهد بود که شعار سال انجمن مذکاران اجتماعی ایران هم است. ما اگر نیاز به همبستگی اجتماعی داریم، رویکردهای ففیری نمی‌تواند همبستگی اجتماعی را در جامعه به‌صورت پایدار و نهاده‌ینه دربیورد.

جوادامام در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

دولت جدید قهر مردم

رابه آشتی تبدیل کند

مردم به‌روندها و رویکردهای اداره کشور معترضند

گشایش ایجاد نشود شکاف دولت و ملت بیشتر خواهد شد

اصلاح‌طلبان باز تعریفی از اصلاح‌طلبی ارائه کنند



آرمان ملی – سهیل ثابت: ناراضی‌های موجود در جامعه را می‌توان منبعث از مسائل مختلفی از جمله مشکلات و شرایط بغرنج اقتصادی و معیشتی دانست که به‌واقع مردم رابه سطوح آورده است. بااین حال بسیاری معتقدند که به‌وجود آمدن چنین شرایطی به دلیل عملکرد دولت روحانی و اصلاح‌طلبان است. این‌در شرایطی است که اصلاح‌طلبان صرفاً جریان حامی دولت بودند و چه به لحاظ اجرایی و چه تصمیم‌گیری نقشی در دولت نداشتند. گرچه بی‌اعتمادی مردم از روندها و عملکردها اصلاح‌طلب، اصولگرا و دولت نمی‌شناسد و مردم همه را یکسان می‌بینند. با این حال برخی معتقدند که با روی کار آمدن دولت رئیسی و عملکردهای مثبت و موثر شاید بتوان اعتماد را دست رفته مردم را بازیابی کرد. در این راستا برای بررسی وضعیت جامعه، نوع نگاه به اصلاح‌طلبان و آسیب شناسی اصلاح‌طلبی در ۴ سال پیش رو «آرمان ملی» با جوادامام دبیر کل مجمع اینترگران اصلاح‌طلب و عضو جبهه اصلاحات ایران به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

برخی معتقدند که ۴ سال پیش رو که اصلاح‌طلبان در حاشیه قدرت قرار دارند فرصت مناسبی برای نوعی و آسیب شناسی عملکردی و تقویت ارتباط با مردم است؛ از دیدگاه شما این فرصت چقدر می‌تواند اصلاح‌طلبان را به شرایط موفقیت دوره‌های گذشته بازگرداند؟

سال‌های پیش رو قطعاً فرصت مناسبی است که اصلاح‌طلبان بازنگری به‌نسبت به آنچه که در گذشته اتفاق افتاده – به هر حال بخشی از آن هم به عملکرد ما برمی‌گردد- باید آن را مغتن بشماریم. اصلاح‌طلبان باید برای خود و تشکیلات و ارتباط با بدنه جامعه باز تعریفی داشته باشند و شرایط را به نحوی فراهم کنند که اعتماد عمومی به نحو مطلوبی نسبت به آنها بازیابی شود. لذا فکر می‌کنم بیش از آنکه امروز اصلاح‌طلبان دچار آسیب شده باشند این قهری است که مردم با صندوق رای پیدا کردند که باید برای آن فکری کرد. اما آنچه که مسلم است اصلاح‌طلبان در دولت آقای روحانی نیز نقشی در سیاست گذاری، تصمیم‌گیری و چنین نیروها نداشتند، ولی اتفاقی که افتاده این بود که محدودیت‌هایی که روی دولت بود، جای مانور دولت را گرفت. دولتی که در ۹۶ به جهت عملکرد مثبتش خصوصاً در حوزه ب‌رجام و کنترل تورم خصوصاً در سال‌های پس از ۹۲ موفق بود علناً توانست رای دوم را نیز از مردم بگیرد. از طرفی شرایط ما در سال ۹۶ شرایط مناسبی بود و وضعیت دولتی نیز برای دفاع مجدد اصلاح‌طلبان از دولت مزید بر علت بود. ولی از بعد از سال ۹۶ و خصوصاً سال ۹۷ که بحث تحریم‌های مجدد و فشارهای ترامپ شروع شد دولت عملاً تنها ماند چرا که نهادهای هم که باید همراهی می‌کردند، پیشگام نبودند. لذا از محصول برجام نیز پس از تصویب این توافق نتوانستیم، درست بر داشت کنیم و عملاً دولت به اقتصاد باخت و تمام این اتفاقات و ناکامی‌ها به نام دولت رقم خورد. در حالی که دولت نمی‌توانست راساً تصمیم‌گیری باشد و از این موانع عبور کند. از طرفی به جهت اینکه اصلاح‌طلبان از دولت آقای روحانی حمایت کرده بودند و خود آقای روحانی هم هیچ گاه ادعا نکرده بود که اصلاح‌طلب است و ما به‌خاطر شرایط فشار کشور از وی حمایت کردیم، مستوجب این بی‌اعتمادی مردم شدیم. البته اگر باز هم سال ۹۲ تکرار شود اقتضای آن شرایط روی کار آمدن آقای روحانی است. هر چند که هزینه این حمایت نیز به اصلاح‌طلبان برگشت، گرچه نقشی در دولت و تصمیمات آن نداشتند ولی به جهت حمایت از دولت و تلاش مخالفان برای جلوگیری از موفقیت دولت این شرایط ناراضیاتی از دولت و اصلاح‌طلبان پدید آمد. کما اینکه در روند مذاکرات هم شاهد بودیم که چون نمی‌خواستند مذاکرات به نام دولت تمام شود، مذاکرات متوقف شد که خسارتی جدی بود و این خسارت به نام اصلاح‌طلبان رقم خورد، در حالی که اصلاح به اصلاح‌طلبان بر نمی‌گردد. فکر می‌کنم مردم بیش از آنکه به اصلاح‌طلبان اعتراض داشته باشند به روندها و رویکردها در اداره کشور معترض هستند و شرایط موجود را چندان مطلوب نمی‌بینند و چون امیدی به آینده ندارند نگاه مثبتی نیز به نهادهای و جریان‌های سیاسی ندارند. البته ناگفته نماند نهادهای هم که باید مردم را تشویق می‌کردند و امید می‌دادند گاه‌ها ناامیدی پمپاژ کردند تا صحنه‌طوری شود که آنها نتوانند آنچه مدنظرشان است را استخراج کنند. آنچه که به عنوان یک خسارت و تهدید متوجه کشور است

هدایت آقایی در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

رئییسی مطالبات مردم رابه

سهیم خواهی هاترجیح دهد

مردم اختیارات و مسئولیت‌ها را بی‌اثر می‌بینند

نیروهای اطراف دولت با تفسیر و قرائت خودشان

از قانون اساسی عمل می‌کنند



آرمان ملی – نرگس کارخانه‌ای: نزدیک شدن به شروع کار دولت، صدهای بیشتری از اختلافات درون جناحی را بلند کرده است. اختلافاتی بر سر انتخاب وزرای پیشنهادی و دیگر مسئولیت‌های مهم. اما از طرفی روزهایی را در کشور می‌گذرانیم که هر روز از هر سومشکل و متعاقب آن اعتراضی قد علم می‌کند. شاید در چنین شرایطی هیچ‌کس دعوای جناحی را درست و بجان‌داند. دعوایی که در نتیجه آنها شایسته‌سالاری، وعده مهم رئیسی در انتخابات، به آخرین امر مورد توجه بدل می‌شود. باید دید که آیا این اختلافات و تمام آنچه دولت در حال تشکیل در دست دارد در مانی برای دردهای متعدد جامعه خواهد بود؟ در این زمینه «آرمان ملی» به گفت‌وگو با هدایت آقایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

آیا سهیم‌خواهی‌ها و فشار بر دولت رئیسی برای حضور برخی افراد در قدرت و در اصل حضور این افراد در کابینه می‌تواند بر کارآمدی دولت آینده اثر گذار باشد؟

بخشی از مشکلات ساختاری در کشور، به شیوه حکومت‌داری بر می‌گردد. بخشی خواسته یا ناخواسته تمام مسئولیت‌ها را به گردن گرفته است. در چنین شرایطی مردم زمانی اختیارات و مسئولیت‌ها را برای حاکمیت می‌بینند و خودشان را دارای نقش موثر نمی‌دانند، مسئولان را مسئول هر نوع مشکل و هر نوع اتفاقی که پیش آید می‌دانند، حتی اگر این مشکل به‌طور طبیعی اتفاق افتاده باشد. این ساختار اجتماعی و حکومت‌داری ما به این سمت رفته است. بخشی دیگر از مشکلات ما مربوط به سازمان‌ها و جریانات در پهنه سیاسی کشور است. این جریانات بدون اینکه برنامه و ایده مشخصی داشته باشند تنها به دنبال قرار گرفتن در راس امور هستند. آقای رئیسی هم در حال حاضر با این مشکل رو به رو است که کسانی که از وی حمایت کرده‌اند یا حتی حمایتی هم ننموده‌اند، به صرف حضور در حوزه اصولگرایی، دولت را مانند یک شرکت تعاونی می‌دانند که باید در داخل آن سهمی برای خود داشته باشند. این سبب کاهش کارایی دولت می‌شود. اگر دولت برخاسته از یک حزب و جریان مشخص باشد، می‌تواند با اقتدار نیروهای خود را انتخاب کند و در انتها هم آن حزب و جریان پاسخگو خواهد بود. اما آقای رئیسی با وجود اینکه خود جز اصولگرایان است در طول انتخابات به نحوی رفتار کرد که با امدار اصولگرایان نیست اما از طرفی هم اصولگرایان موفقیت خود را با اقتدار خود می‌دانند و به نوعی طلبکار و سهم‌خواه از دولتی هستند که در حال تشکیل

آیا یک‌دستی که برخی آن را از نکات مثبت موفقیت دولت سیزدهم بر خلاف دولت روحانی می‌دانند، باعث نجات دولت و حل مشکلات مردم خواهد شد؟

دولت آقای روحانی با وجود حمایت اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان، عمده مشکلات و نارسایی‌های خود را در نتیجه تأثیر پذیری از جریانات بیرونی داشت. اما آقای رئیسی هم به شکل دیگر تحت تأثیر همین جریانات خواهد بود که این تأثیرات هم به حوزه اختیارات و قدرت و می مربوط خواهد شد و سبب دخالت برخی کنشگران سیاسی می‌شود. این افراد تلاش می‌شود، می‌کنند و در نهایت شاید دولتی که تشکیل شود از دولت احمدی‌نژاد پایدارتر باشد اما با توجه به تحریم‌ها و شرایط حال حاضر بعید است موفقیتی بیش از دولت اصولگرای پیشین خود داشته باشد. از طرفی این نیروهای فرافروهای که امروز انگار می‌کنند قدرت با ماست تنها به دنبال امیال خود هستند و تا زمانی که دولت از آنها حرف شنوی داشته باشد، گوش به فرمان آنها باشد و محسودیت‌ها را بیشتر کنند، برای آنها دولت مجبوی است. اما بالاخره دولت خود را منتخب مردم می‌داند و به محض اینکه بخواهد از آن نیروها زاویه بگیرد و مطالبات مردم را مطرح کند، بلافاصله از دولت تنها با زدن یک انگ فاصله می‌گیرند. همان‌طور که دولت احمدی‌نژاد در چهار سال اول دولت احمدی‌نژاد بود و برخی هر شب خواب او را می‌دیدند ولی بعد از مدتی با عنوان «جریان انحرافی» کنار گذاشته شد. دولت آقای رئیسی هم تا زمانی که در دست این نیروها باشد رضایت و همراهی آنها را دارد. از طرفی اگر بخواهد در نظر مردم خود را حفظ کند از چشم برخی از نیروها می‌افتد و اختلافاتی رخ خواهد داد که پیش‌تر هم شاهد بوده‌ایم.

یکی دیگر از تفاوت‌های جناح دولت در حال تشکیل با اصلاح‌طلبان میزان سرمایه اجتماعی است، آیا ممکن است دولت جدید برای کسب سرمایه اجتماعی در جهت ایجاد آزادی‌های اجتماعی مانند رفع فیلترتینگ‌ها در فضای مجازی تلاش کند؟

بسیاری از این امور مانند فیلترتینگ در

فراسو

حسین کمالی:

حتی احزاب شناخته‌شده هم توانایی انجام کاری ندارند

رئیس‌خانه احزاب ایران در مورد علت افول احزاب طی سال‌های اخیر اظهار داشت: فعالیت احزاب هیچگاه چه قبل و چه بعد از انقلاب از رونق برخوردار نبوده و باید افزایش پیدا کند و اثر بخشی داشته باشد ولی واقعیت این است که حزب در نظام جمهوری اسلامی به‌طور جدی به رسمیت شناخته نشده است و نقش احزاب پر رنگ نیست. حسین کمالی گفت: شاید دلیل آن این است که احزاب می‌بایست اولین چیزی را که انکار کنند فلسفه و دلیلی است که تشکیل شده‌اند تا قدرت را در دست بگیرند. احزاب در نظام سیاسی ما برای اینکه فعالیتی داشته باشند ابتدا خود را از تلاش برای کسب قدرت میرا بداندن اینکه می‌خواهند جایگزین حکومت مستقر شوند و تغییر سیاست در کشور به صورتی که با آنچه قبل از آن طراحی شده متفاوت باشد در کشور ما مورد قبول نیست. از این رو به احزاب به گونه‌ای نگاه می‌شود که نباید نقش زیادی داشته باشند و نقش آنها باید در همین حد باشد که بازار گرم کن انتخابات و نمایش دهنده دموکراسی سیاسی باشند. وی افزود: از دید برخی سبایسون مثلاً احزاب نباید نسبت به نحوه برگزاری انتخابات و ایراداتی که به آن وارد می‌دانند مطالبی بگویند. اگر قرار باشد احزاب حرفی بزنند که برای مسئولان و برگزار کنندگان انتخابات ناخوشایند باشد به آنها به چشم عنصر نامطلوب نگاه می‌شود و احزابی که همراه نیستند، در حالیکه در دنیا، احزاب شکل می‌گیرند تا به صورت مسالمت‌آمیز مجلس و دولت را در دست بگیرند در سیاست‌هایی که اعلام می‌کنند اجرا کنند. ما در کشور خود قادر به اینگونه تحول طلبی نیستیم و احزاب معمولاً بر اساس برنامه حرکت نمی‌کنند. دبیرکل حزب اسلامی کار بیان کرد: تنها در زمان انتخابات است که کاندیداها جزوه و کاغذی را در برنامه تلویزیونی به عنوان برنامه در دست می‌گیرند و خوششان می‌آید مردم می‌دانند که این برنامه‌ها جدی و عملیاتی نیستند و حتی اگر به قدرت برسند به این دست نوشته‌های تخیلی و غیر واقعی، عمل نخواهند کرد. او یادآور شد: کاندیداها بعد از رای آوری اولین چیزی که ابراز می‌کنند این است که ما حزبی نیستیم و خودمان رای مردم را کسب کرده‌ایم و این باروش آنها قبل از انتخابات متفاوت است. آنها در زمان انتخابات از انتخابات مدعی می‌شوند که خودشان رای داشتند و مقبول ملت بوده‌اند. کمالی تصریح کرد: قبل از این ۲۵۰ حزب و سازمان و گروه سیاسی ثبت شده بود. در دوره من چندین حزب حذف شد و امروز نزدیک به ۱۵۰ حزب وجود دارد؛ این احزاب می‌بایست خود را با شرایط تطبیق دهند و توانایی‌های خود را عرضه کنند و حضور خود را مطرح و یا صحنه را خالی کنند. در کشور ما حتی احزاب شناخته شده و قدرتمند نیز توان انجام کار ندارند نه مانیفستی ارائه داده‌اند و عملی خویش از خود در صحنه‌های مختلف نشان بدهند. رئیس خانه احزاب در توصیه به رئیسی برای مواجهه با سازو کار احزاب کشور اظهار کرد: شایسته است هر رئیس جمهوری باید بیاید و ساختار پیشرفته و متمندانه‌ای که در جهان امروز برای تشکیل دولت و تشکیل حکومت وجود دارد، بپذیرد و انتخابات منطقی و برقرار کند و به روی و نظر مردم احترام بگذارد و قبول کند که احزاب و گروه‌ها، باید نقشی اساسی داشته باشند تا قدرت بگیرند. امروز در بسیاری از کشورهای دنیا احزاب هستند که حرف می‌زنند و تصمیم می‌گیرند اگر از دولتمردی ناراضی‌تی وجود داشته باشد در حقیقت از احزابی که آنها را به انتخابات دعوت کرده‌اند، گله‌مند و ناراضی خواهند شد نه کل حکومت و نظام سیاسی.

درپچه

محمد مهاجرچی:

جبهه پایداری اجازه کابینه معتدل را به رئیسی نمی‌دهد

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص کابینه دولت سیزدهم و برخی سهم خواهی‌ها اظهار داشت: ما بقیین مردم که از نیروهای اصلاح‌طلب در کابینه آقای رئیسی حضور نخواهند داشت و اگر هم باشند در سمت‌هایی فرعی خواهند بود که هیچ تأثیری در روند دولت ندارند؛ این هم صرفاً یک احتمال است و بعید به نظر می‌رسد در همین حد هم اصلاح‌طلبان در دولت بعدی حضور داشته باشند. محمد مهاجرچی گفت: بیشترین طیفی که برای حضور در دولت به آقای رئیسی فشار می‌آورد، جبهه پایداری است. آنها می‌خواهند مابه‌ازای کنارگرفتن آقای جلیلی را دریافت کنند و از حالا شائبه معاون اولی جلیلی یا وزیر خارجه شدن او را مطرح می‌کنند تا بتوانند به آقای رئیسی فشار بالایی بیاورند که برای جلیلی جایگاه و زه‌ای در نظر بگیرند و به‌نوعی جلیلی را به رئیسی تحویل کنند. وی درباره اینکه رئیسی چقدر تحت تأثیر نیروهای پایداری قرار می‌گیرد، بیان کرد: «به هر حال اطرافیان آقای رئیسی بیشتر گرایش‌های پایداری را دارند». این فعال سیاسی درباره این سخن رئیسی که کابینه فراچنجی خواهد بود، اظهار کرد: «آقای رئیسی حتی اگر خودش هم بخواهد کابینه‌ای معتدل تشکیل دهد، جبهه پایداری نمی‌گذارد و نیروهای پایداری سهمشان را از دولت می‌خواهند. آنها برای وزارت کشور، وزارت امور خارجه، وزارت اقتصاد، وزارت نفت، سازمان برنامه و بودجه، معاون اولی و رئیس‌دفتری برنامه‌ریزی کرده‌اند». مهاجرچی در پاسخ به این پرسش که اگر رئیسی هم تا زمانی که در دست این نیروها باشد رضایت و همراهی آنها را دارد. از طرفی اگر بخواهد در نظر مردم خود را حفظ کند از چشم برخی از نیروها می‌افتد و اختلافاتی رخ خواهد داد که پیش‌تر هم شاهد بوده‌ایم. برایشان به وجود می‌آید.